

جلوی عقب‌ماندگی ورکود سینما را بگیرد



سجاد نوروزی - مدیر پردیس آزادی

ما سازوکار اجرایی، مخاطب محوری و اقتصاد هنر را هیچ وقت در ایران جدی نگرفتیم. اگر روزی از اقتصاد هنر صحبت کردیم به چیزی مثل بسازفروشی در هنر روی آوردیم. اقتصاد هنریک مفهوم چندبعدی و چندوجهی است که یکی از زیرمجموعه‌های آن هم توجه به مساله مخاطب است. درواقع اقتصاد هنر و مخاطب به هم گره خورده و نمی‌توان بدون درنظر گرفتن جایگاه مخاطب در سینما به فکر اقتصاد آن بود. ما یک چهارچوب اجرایی و فنی برای فعالیت‌های هنری و فرهنگی در کشور نیاز داریم. این چهارچوب فنی همیشه نادیده گرفته شده‌ان هم به دلیل اینکه یک مدل محتوگراپی بسته و متناسب با سلیقه جناحی که روی کار است، محورمان شده است. زمانی که اصولگرا بوده، یک سلیقه محتوایی داشته و وقتی اصلاح طلب‌ها بودند، یک سلیقه محتوایی دیگر و این

روق را به ادبیات کودک برگردانید



افشین علاء- شاعر ادبیات کودک، یکی از حوزه‌هایی بود که ما بعد از انقلاب شاهد درخشش و ارتقای آن بودیم. هم شاعران و هم نویسندگان و تصویرسازان کتاب کودک در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خوش درخشیدند و ادبیات کودک به یکی از شاخصه‌های توفیق کشور ما در عرصه بین‌المللی تبدیل شد. اما باگذشت زمان و مشکلاتی که به حوزه فرهنگ عارض شد، ازجمله پایین آمدن شمارگان کتاب‌ها، غلبه قلمرو فضای مجازی بر قلمرو نشر و روزمرگی که نهاد‌های متولی به آن دچار شدند، باعث شد رونق گذشته را در نه فقط در ادبیات، بلکه در حوزه شعر کودک، داستان کودک و سینمای کودک از دست

حمایتگر هنرمندان باشید و به آنها اجازه آزادی عمل دهید



وحید رونقی - تهیه‌کننده و مجری

وزیر جدیدی که انتخاب می‌شود باید این توانایی را داشته باشد تا یک سری ظرفیت جدید برای هنرمندان و اهالی فرهنگ اضافه کند. از وزیر ارشاد توقع می‌رود تا شرایطی برای آزادی عمل در حوزه رسانه‌ها فراهم شود. از طرف دیگر انتظار می‌رود حمایت خیلی جدی از هنرمندان داشته باشد. انگار در تمام این سال‌ها، هنرمندان بی‌سرپرست بودند، چراکه حوزه فرهنگ

نگاه ویژه به سینمای کودک داشته باشید



علی فروتن - مجری و برنامه‌ساز کودک

چهار دهه است که برای کودکان فعالیت می‌کنم و همیشه این را گفتم که ما بهترین لباس و غذا را برای فرزندان مان تهیه می‌کنیم ولی هیچ وقت به این فکر نمی‌کنیم که محصول فرهنگی که قرار است برای فرزندان بگیریم چه چیزی باشد و این قضیه را اصلا جدی نمی‌گیریم. اتفاقی این سال‌ها افتاده که هنرمند باید کاسه‌گدایی دست بگیرد و برود فلان کارخانه و پیش فلان سرمایه‌دار و از آنها خواهش کند بیایند سرمایه‌گذاری کنند تا برای کودک

سلیقه محتوایی بوده که به سازوکار اجرایی ترجیح داده شده است. مثلاً در حوزه سینما ما هیچ وقت مساله مخاطب را جدی نگرفتیم و برایمان سوال نشد ریزش مخاطبی که طی این سال‌ها داشتیم به چه علت بوده است. هیچ وقت مقوله اکران و تبلیغات آثار سینمایی را مشاب‌ه تجربیات روز دنیا پیش نبردیم و برای خودمان یک فرمت خاص اختراع کردیم که بگویم سینمای ما خاص است و فرق دارد و نتیجه‌اش شده وضعیت بخور و نمیر فعلی که شما از لحاظ مخاطب دچار ریزش هستی. از لحاظ سازوکار اکران عقب‌افتاده و از لحاظ تبلیغات که اصلا ماقبل فعالیت‌های تبلیغاتی‌کار می‌کنید. به همه این نکات باید فکر شود. ما در یک دوره‌ای قرار داریم؛ با توسعه‌یافتگی و پیشرفت یا عقب‌ماندگی ورکود. باید بین این دو انتخاب کنیم. اگر می‌خواهیم توسعه را انتخاب کنیم ملزومات دارد و با رویکرد فرهنگی ۴۰ سال گذشته به جایی نخواهیم رسید. ما احتیاج به بازنگری سیاست‌ها و روش‌های خودمان داریم.

بدھیم. درحالی‌که فکر می‌کنم خیلی از بزرگان وادی هنر و ادبیات، علت توفیق‌شان این بود که در دوران کودکی جذب نهاد‌ها و مراکز تخصصی شدند تا برای کودکان کار کنند. یکی از خواسته‌های من از وزیر ارشاد این است که به رونق این حوزه توجه بیشتری کند و حلقه واسطی بین همه‌دست‌اندرکاران باشد. حیفاست کودکان‌مان را با آموژه‌های ملی خودمان وقف ندهیم و به فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی وصل نکنیم. خواسته‌ام رونق بخشیدن به حوزه ادبیات و هنر کودک و نوجوان است. برای این کار هم وزیر ارشاد در ابتدا باید افراد و نهاد‌هایی که در این زمینه توانمند هستند و هرکدام به حال خودشان رهاشدند نابشناسد و از طرف دیگر، مشاور خیره‌ای انتخاب کند تا راه‌های برون‌رفت از این وضعیت را به کمک آن پیدا کند.

تاکنون برای دولت‌ها دغدغه نبوده و در عین حال از هنرمندان توقع بوده که فرهنگ‌سازی کنند. ایجاد آزادی عمل همراه با حمایت مهم‌ترین کاری است که وزیر ارشاد باید انجام دهد. وقتی اهالی فرهنگ و هنر بدانند در چهارچوب قانون، آزادی عمل دارند و وزارت فرهنگ هم حامی آنهاست و در مقابل نهاد‌های دیگر حمایت می‌کند، به تبع آن اتفاقات خوبی در حوزه فرهنگ و ارتباط هنرمندان با وزارت ارشاد می‌افتد. اما تا به امروز وزارتخانه فرهنگ، خیلی نقش حمایتگری نداشته و اهالی فرهنگ در این زمینه مظلوم بودند.

موسیقی را هم مثل سینما جدی بگیرد



رضا مهدوی - کارشناس موسیقی

یکی از چالش‌های حوزه موسیقی، جدی نگرفتن آن است و مدیران فرهنگی در وهله اول باید این هنر را جدی بگیرند؛ حداقل باید مثل سینما به این حوزه توجه شود. ضمن اینکه نوع مواجهه‌شان با این هنر نباید ابرازی باشد و صرفا دعوت‌های مناسبتی و کاری برگزار کنند. تکلیف موسیقی حداقل در نهاد‌های اداری مشخص باشد و در هر دوره و دولتی دچار تغییر نشود. میزبی موسیقی بی‌کلام برداشته شود. برای هنرمندان این حوزه امنیت شغلی مثل دیگر مشاغل به وجود آید. دیگر شاهد لغو هیچ کنسرت مجوزداری نباشیم. شهرها و استان‌هایی که تاکنون به آنها اجازه کنسرت نداد‌ه‌اند، برای همیشه مشکل‌شان حل شود. از مسئولان رده‌های مختلف، برخورد‌های جزیره‌ای و رفتارهای گلخانه‌ای را شاهد نباشیم. نگاه امنیتی از جماعت موسیقیدان به ویژه در جشنواره‌ها تعدیل شود و امیدوارم که شاهد دوره وفاق و دوستی و هم‌پوشانی و احترام متقابل باشیم. دو نکته دیگر که خیلی از موسیقیدانان به دنبال آن هستند و از

نهادسازی‌های غلط گذشته را اصلاح کنید



حامد جعفری - تهیه‌کننده انیمیشن

انیمیشن در ایران به عنوان یک هنر-صنعت نوپا اما پرظرفیت شناخته می‌شود. ما در چند سال اخیر، شاهد رشد و شکوفایی این هنر-صنعت در کشور و به‌ویژه در سینما و فیلم کوتاه بوده‌ایم. در کارهای کوتاه و تجربی در هر ماه شاهد چندین خیر خوب از موفقیت‌های آثار این حوزه در جشنواره‌های کوچک و بزرگ هستیم. تالان فکر می‌کنم چند اثر کوتاه انیمیشن از ایران به جشنواره‌های مهمی همچون اسکار راه یافته‌اند، چیزی که ما در زمینه فیلم‌های ژانل با آن قدمت و سابقه و بودجه‌ای که برایش در کشور صرف می‌شود، کمتر شاهدش هستیم. در سینما هم انیمیشن‌ها جزه پر فروش‌های گیشه ۱۰ سال اخیر سینما بوده‌اند. یعنی در سال‌های اخیر بعضا یکی دو انیمیشن پر فروش و موفق در گیشه داشته‌ایم و انیمیشن‌ها توانسته‌اند چند بار مخاطب میلیونی جذب گیشه سینما کنند و از حدود سی و چند انیمیشن سینمایی اکران شده در سال‌های اخیر، حدود ۱۰ درصدشان (سه فیلم شاهزاده روم با حدود یک میلیون نفر مخاطب، فیلیشاه یا حدود یک میلیون و سیصد هزار نفر مخاطب و بچه‌زنگ با حدود دو میلیون نفر مخاطب) توانسته‌اند مخاطبان میلیونی داشته باشند. موضوعی که در سینمای ژانل به دلیل اینکه نرخ جذب چنین مخاطبی خیلی کمتر است، شاید به آرزوی خیلی از فیلم‌های غیرکمدی تبدیل شده است. تازه همه اینها بدون وجود یک سند بالادستی یا تولیدگری و نقش‌آفرینی یک نهاد متولی به دست آمده و این یعنی ظرفیت خوبی از دل سازوکارهای مقرون به‌صرفه بخش خصوصی به‌وجود آمده

قدرت رئیس‌جمهورها خارج بوده مساله صدای زن و نشان دادن ساز از تلویزیون است. البته رئیس‌جمهور مقتدر می‌تواند به جد دنبال کند اگر از آسیب‌ها نگرانی نداشته باشد. سند ملی موسیقی هم نیازمند بازنگری جدی است. پس از اصلاح نهایی، رئیس‌جمهور می‌تواند قدرتمندانه به‌عنوان ضمانت اجرایی، سند را از تمامی مدیران کشوری از جمله استانداران و ائمه‌جماعات و شوراهای گروه‌های خودسر بخواهد و پیگیر جدی اجرای این سند باشد. مدیران لایق را نگه دارد و مدیران معتمدل و دوزنگر و کارزیلد را در راس امور قرار دهد. جدای از صنوف موسیقی، از نظرها و راهکارهای موسیقیدانان خارج از چند صنف موسیقی بهره‌گیری کند تا فضای آرامش و اعتماد نسبی بین موسیقیدانان و مدیران و حاکمیت برقرار شود. جذب حداکثری نباید در مرحله شعار بماند. جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر نیازمند ساختار جدید با بودجه مناسب برای بهره‌گیری از تمام نخله‌های موسیقی و حضور جدی اهالی موسیقی است که می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. تعامل صحیح مدیران با جماعت اهل فن موسیقی امری واجب و لازم است.

و بر مدار درست قرار دارد. به نظرم در چنین شرایطی ورود دفعی، غیرمنطقی و غیرعاقلانه دولت و تأسیس نهاد‌های تکراری که مشابه آنها را بارها دیده‌ایم، آن‌هم با متولییانی که از این صحنه دورند و کمتر با آن ارتباط و شناخت داشته‌اند قطعا آسیب‌زا خواهد بود و حتما یکی از چالش‌های پیش‌روی فعالان هنر-صنعت انیمیشن خواهد بود. از جنبه دیگر، اختلاف نرخ ارز سبب شده تا سفارشاتی که در بسیاری از کشورها اقتصادی نیست، اینجا اقتصادی تلقی شود و این زمینه‌ساز دو چالش بود. متخصص ایرانی یا سوسیپد‌های مختلفی که در اختیار دارد به تولید محتوای خارجی ناهمگون با سایر کشورها یا کمترین قرابت فرهنگی به کشور خودمان را به نوعی سوسیپد‌ایز می‌کند و هم متخصص ایرانی به جای تولید اثر خلاقانه خودش، به‌عنوان سرویس دهنده به دیگری فعالیت می‌کند که اینها حتما از چالش‌های دیگر این حوزه است و باید برای آن تدبیر شود. وزیر ارشاد آینده‌دو کار مهم برای سینمای انیمیشن دارد. یکی، اصلاح نهادسازی‌های غلط‌گذشته و دو، تدبیر اصولی برای بهبود و کمک به شکوفایی بیشتر هنر-صنعت انیمیشن در کشور و عرصه بین‌المللی. آنهاهم براساس مدل‌های موفق و تجربه‌شده، نه آنکه جوری رفتار شود که تصور شود بناست دوباره چرخ اختراع شود. طبیعی است این امر ابتدا در گرو پیدا کردن شناخت صحیح از مساله با کمک و همفکری متخصصان باتجربه این حوزه است و پس از آن ریل‌گذاری و تزریق منابع در نقاطی که می‌تواند به شکوفایی این هنر-صنعت بینجامد که حتما راهگشا و مانع بسیاری از چالش‌ها خواهد شد.

فجر برگزار شد، جشنواره کودک و نوجوان برگزار شد اما چطور برگزار شدنش اهمیت ندارد. سال گذشته جشنواره کودک و نوجوان قرار بود در یازد برگزار شود. ۶ میلیارد بودجه در نظر گرفتند و دبیر بنده خدا به سختی پول را جور کرد. سراغ کارخانه‌کاشی هم رفت. وزارتخانه چرایش پول را نمی‌دهد. حتما می‌خواهند برگزار کنند. تندیس رای‌یکی می‌دهد و لوح را کارخانه فرش... متاسفانه کم‌بهره‌ترین ارگان‌ها برای گرفتن بودجه، وزارت آموزش و پرورش و وزارت ارشاد و کانون پرورش فکری هستند و دقیقا هم اینها باکودکان سروکار دارند. خواهش از وزیر ارشاد این است که نگاه ویژه به بخش کودک کند؛ چه در سینما، چه در تئاتر و موسیقی و...

برای بچه‌های این مملکت تهیه کنی. بچه‌ها ارزشمند هستند و باید برایشان کار بزرگ کرد. بچه‌ها قرار است در آینده کارهای بزرگ انجام دهند و ما اگر آدم‌های بزرگی می‌خواهیم باید بچه بزرگ برایشان در نظر بگیریم.

باسرمایه‌کارخانه‌فروش جشنواره برگزار می‌کنند

حمایت دقیق و همه‌جانبه مساله مهم دیگری است که باید به آن توجه شود. یعنی وزارتخانه باید به تولید فرهنگی کمک کند. باتمام احترامی‌که برای وزرای ارشاد قائل هستم اما انگار آمدند تا آمار بدهند جشنواره فیلم

به کارآزودن تولیدکننده بومی

سمت دیگر این فضا گرفته شدن نفس تولیدکننده بومی در این حوزه است؛ از نویسندگی و تالیف گرفته تا تصویرگری و صفحه‌آرایی و الخ! اتفاقی که همین الان برای نشر کودک و نوجوان افتاده. در وضعیتی که وارد کردن محتوای فرنگی به جز ترجمه هیچ هزینه‌ای ندارد و در فضای بی‌قانونی مطلقه که وجود دارد بعضا حتی زحمت تهیه اصل تصاویر داخل کتاب را هم نمی‌کشند و کپی و افست از روی نمونه فرنگی می‌کنند. مگر مخ‌ناشر تاب داشته که بخواهد همان محتوا را به تولیدکننده بومی سفارش دهد یا تصویرگر و صفحه‌آرای داخلی را به کار بگیرد و هزینه‌هایش دوچندان شود. حتی اگر اقتصادی صرف هم به موضوع نگاه کنیم، کدام صنعت داخلی است که حوزه وارداتش این طوره‌شش بانده و بی‌قاعده و بدون دروازه و دروازه‌بان رها شده؟! همین امروز اگر طالب وارد کردن دستمال توالت و پوشک بچه هم باشید باید در بدو ورود کالا به کشور تعرفه بپردازید که نکند یک‌وقت واردات بی‌ضابطه، در تولیدکننده داخلی را تخته کند. حالا چه شده که در حوزه تولید محتوا اینچنین بزرگراه شش بانده راه انداخته‌ایم و وارداتش را بی‌مسابقه و کتاب‌رها کرده‌ایم؟! مدیریت این فضا هم لزوما به این معنا نیست که به یکی از قطبین دوگانه معرفتی بالا بقیتم. مدیریت واقعیت چیزی بین این دو قطب است. می‌شود زیر بار معاهدات بین‌المللی کپی‌رایت نرفت و به زعم مخالفان این معاهدات، تن به بیوغ استعمار نداد ولی در عین حال قوانین داخلی وضع کرد برای مدیریت فضا. عین همان موضوعی که در سال‌های گذشته برای مدیریت پول شویی و پیوستن یا نپیوستن به FATF ایجاد شد و رهبری پیشنهادش را دادند؛ زیر بار FATF نرفتن و امضا نکردنش اما محورهای معقول و مقبولش را تبدیل به قوانین داخلی کردن! سمت دیگر این فضا تعهدات دو به دوی بین‌الدولی ایران با سایر کشورهاست. اینکه فی‌المثل ناشران اسپانیایی بداند هرچند ایران تن به امضای معاهده برن نداده اما برحسب توافق که دو کشور

فرهنگستان

فرهنگ



یکشنبه ۷ مرداد ۱۴۰۳



شماره ۴۱۹۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

ادامه از صفحه ۱۲

ادامه در صفحه ۱۴

۱۳